

## چگونگی تعیین مجازات در دادگاه‌های انگلستان

نویسنده: جان اسپراک<sup>۱</sup>

مترجم: دکتر حجت سبزواری نژاد<sup>۲</sup>

### مقدمه‌ی مترجم

شرایط ارتکاب جرم، مجرم و قربانی جرم، آن چنان متفاوت و متغیر است که ارائه‌ی تعریفی یکسان از هریک از آن‌ها از سوی قانون‌گذار، نه ممکن است و نه معقول. تعریف خصوصیات جرم و میزان مجازات مرتکب در زمان تصویب قانون، بر اساس شرایط کلی و معمول آن صورت می‌گیرد؛ لیکن متغیرهای گوناگونی ناشی از اوضاع و احوال جرم، مجرم و قربانی جرم وجود دارد که بر آن تعریف قانونی عارض می‌گردد. مقنن به دادگاه اجازه‌ی دخالت و محاسبه‌ی این متغیرها و اثر دادن آن‌ها در شدت و خفت جرم را در مرحله‌ی عمل داده است. به این متغیرها، عوامل مخففه و مشدده گویند.

قانون‌گذار انگلستان از اوایل دهه‌ی نود میلادی با تصویب قانون عدالت کیفری ۱۹۹۱ و سپس در قوانین بعدی از جمله قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری در سال ۲۰۰۰ و قانون عدالت کیفری در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵ مبنای کیفر را در مرحله‌ی تقنین، سزاگرایی که درون‌مایه‌ی آن، اصل تناسب جرم و مجازات می‌باشد، قرار داده و سپس با دادن اختیاراتی به دادگاه‌های کیفری و با ارائه‌ی رهنمودها و دستورالعمل‌هایی از سوی دادگاه‌های استیناف و شورای تعیین مجازات، آن‌ها را

1. John Sprack

۲. رییس شعبه‌ی ۱۳ دیوان عدالت اداری

مکلف نموده است که با توجه به تناسب صدمه‌ی وارده به قربانی جرم و میزان قابلیت سرزنش، رفتار ارتكابی، اقدام به تعیین مجازات نمایند. نظام کیفری مذکور با رویکرد مذکور در صدد است که در مرحله‌ی تقنین با تبعیت از معیاری واحد، یعنی اصل تناسب جرم و مجازات (اصل سزاگرایی) که تکیه بر میزان صدمه و قابل سرزنش بودن آن دارد و در مرحله‌ی اجرا، با دادن اختیاراتی به دادگاه‌ها و ارائه‌ی رهنمودهایی، به سایر اهداف کیفر نائل آید و نظام کیفردهی خود را هماهنگ و قاعده‌مند نماید.

اساساً قانون به بیان کلیات و اصول می‌پردازد؛ زیرا نمی‌تواند در هر موضوعی، جزئیات و شرایط جرم و مجرم را بیان دارد و تنها در این زمینه، راهنمایی کلی را ارائه می‌دهد. اتخاذ تدابیری که بتواند راهنمایی مفید و اقدامی مؤثر برای دادگاه‌ها و هماهنگی در آراء صادره از سوی آن‌ها باشد، امری ضروری است. به همین جهت دادگاه‌های کیفری در کشور انگلستان، در مرحله‌ی عمل نیز رها نبوده و در موارد لازم، باید رهنمودهای صادره از سوی شورای تعیین مجازات که اعضای آن افرادی متخصص و آگاه به کار دادگاه‌ها، زندانها و امور مراقبتی و دانشگاهی بوده و استراتژی کلی سیاست تعیین مجازات را برنامه‌ریزی می‌نمایند. رهنمودها، همراه با آراء صادره از دادگاه‌های استیناف امروزه نقش اساسی در تعیین مجازات بر اساس مبنای تعیین شده از سوی قانون‌گذار یعنی مجازات‌های استحقاقی و متناسب نمودن آن‌ها با وضعیت مجرم دارد.

نظام پیش‌بینی شده برای تعیین کیفر در انگلستان، به طوری که در ماده‌ی ۱۴۲ قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ آن مقرر داشته است، اهداف مختلفی را پی می‌گیرد. سزاگرایی، فایده‌گرایی، جبران خسارات وارده به قربانی جرم، اصلاح مجرم و دفاع از منافع جامعه و ارباب مجرمان بالفعل و بالقوه اهدافی است که می‌باید دادگاه‌های کیفری در تعیین کیفر باید مورد توجه خود قرار دهند. ضرورت حصول به اهداف در مرحله اجرا در دادگاه‌ها که بعضاً با هم ناسازگار نیز می‌باشند، اقتضاء می‌نماید که از اصول کلی و اساسی پیروی کرد تا مقصود قانون‌گذار محقق شود. دادگاه‌ها جهت تعیین هر یک از کیفرهای مقرر قانونی، می‌باید از اصولی تبعیت نمایند که از طریق مراجع مربوط تعیین گردیده است. مراجعی که سیاست‌های تعیین کیفر را در مرحله‌ی عمل تعیین می‌نمایند و خلاء وجودی چنین مراجعی در نظام تعیین کیفر

ایران احساس می‌شود. نوشته‌ی حاضر ترجمه‌ی قسمتی از بخش چهارم چاپ دهم کتاب «یک رویکرد عملی برای دادرسی کیفری»<sup>۱</sup> نوشته‌ی آقای جان اسپراک است که از سوی انتشارات دانشگاه آکسفورد<sup>۲</sup> به چاپ رسیده است.

### ۱. تعیین مجازات<sup>۳</sup>

برای تعیین کیفر، مجازات کننده می‌باید در خصوص موضوعی که در صدد تصمیم‌گیری درباره‌ی آن است، اطلاعاتی داشته باشد. تصمیم به تعیین مجازات، در بردارنده‌ی یک انتخاب از میان چندین انتخاب است. در هر پرونده، با توجه به اوضاع و احوال حاکم بر جرم ارتكابی، طیف وسیعی از انتخاب‌ها وجود دارد. برای مثال، جرم ارتكابی مستلزم مجازات حبس یا حداکثر مجازاتی است که قانون مقرر نموده است. به هر حال مجازات کننده طیف نسبتاً وسیعی از احتمالات را در هر پرونده در اختیار دارد.

به طور خلاصه اختیارات تعیین مجازات که به ترتیب شدت طبقه‌بندی گردیده‌اند، شامل موارد ذیل می‌باشد:

- ۱- حکم آزادی تعویق قطعی یا مشروط مجازات؛<sup>۴</sup>
- ۲- جزای نقدی؛<sup>۵</sup>
- ۳- قرار مراقبتی؛<sup>۶</sup>
- ۴- قرار حضور در مرکز؛<sup>۷</sup>
- ۵- قرار منع رفت و آمد؛<sup>۸</sup>
- ۶- قرار اصلاح اجتماعی؛<sup>۹</sup>

- 
1. A Practical approach to Criminal Procedure
  2. Oxford University Press
  3. Determining the sentence
  4. Absolute or Conditional discharge
  5. fine
  6. Supervision order
  7. Attendance center order
  8. Curfew order
  9. Community rehabilitation order

۷- دستور مجازات اجتماعی؛<sup>۱</sup>

۸- مجازات تعلیقی؛<sup>۲</sup>

۹- مجازات حبس فوری.<sup>۳</sup>

ماهیت و خصوصیات جرم ارتكابی، محدودیت‌های خاصی برای مجازات کننده در انتخاب انواع مجازات‌های مقرر و قابل دسترس ایجاد می‌کند. علاوه بر آن، قانون اختیار دادگاه‌های کیفری (تعیین مجازات) مصوب ۲۰۰۰ میلادی، ساختار قانونی را مقرر کرده است که در آن معیار و ملاکی را برای تعیین کیفر ارائه می‌دهد. برای مثال چگونه مجازات کننده می‌تواند یک مجازات سالب آزادی را صادر نماید. در این ساختار، تصمیمات دادگاه‌ها، رهنمودهای بیش‌تری برای کیفر احتمالی که دادگاه در صدد تعیین آن است، ارائه می‌نمایند. در رهنمودهای ارائه شده از سوی دادگاه‌ها، نکاتی قابل توجه است.

در صدور مجازات، ضرورت دارد که قضات دلایل آن را به طور خلاصه و ساده بیان دارند؛ به طوری از آنچه که گفته شده، مجرم به سادگی آن را درک نماید در صورت عدم رعایت این نکته و در صورت تجدیدنظر از مجازات، دادگاه استیناف آن را مورد بررسی قرار می‌دهد. این نکته از اصولی است که از فرایند حاکم بر تعیین مجازات استنتاج می‌گردد. با این حال باید تأکید شود که رویه‌ی قضایی<sup>۴</sup> به سه دلیل نقش نسبتاً کمی در تعیین کیفر ایفاء می‌نماید.

نخستین دلیل: هر پرونده به واقعیات خود بر می‌گردد. این حقیقت هرگز واقعی‌تر از واقعیت مجازات نیست. هیچ دو مجرمی و هیچ دو جرمی دقیقاً همانند نمی‌باشند؛ ولو این که شباهت‌هایی بین آن‌ها وجود داشته باشد. بنابراین در تصمیم دادگاه استیناف در خصوص دو پرونده‌ی مشابه در صورت اختیار قاضی، او همیشه می‌تواند تمایزی بین آن‌ها قائل شود. در واقع بعید است که وکیل متهم در هر

- 
1. Community punishment order
  2. Suspended sentence
  3. Immediate custodial sentence
  4. Black's Law Dictionary defines "precedent" as a "rule of law established for the first time by a court for a particular type of case and thereafter referred to in deciding similar cases".

پرونده‌ای بگوید که یک عامل مخففه وجود دارد. قاضی حتی مجازات مشخصی (از نظر کمیت) را پیشنهاد نمی‌کند؛ بلکه صرفاً نوع مجازات را بیان می‌دارد. برای مثال او می‌تواند بگوید: اگر این جرم آن‌چنان شدیداً است که مستلزم مجازات حبس است، مجازات می‌تواند تعلیق شود؛ نه این‌که (حتماً) مجازات حبس فوری داده شود. یا (وقتی) وکیل متهم می‌تواند بگوید: در پرتو شخصیت خوب موکلم یا به جهت پرداخت منظم مالیات، موکلم به جای حبس، به مجازات جزای نقدی مناسبی محکوم شود. اما بعید است که بتواند بگوید چون در پرونده‌ی دیگری، دادگاه استیناف مجازات حبس پنج سال را به سه سال کاهش داده است؛ و چون شدت جرم موضوع پرونده‌ی حاضر شدت خیلی کم‌تری از آن پرونده دارد، لذا مجازات دو سال حبس برای مجرم مناسب است. چنین استدلالی به احتمال بیش‌تر در دادگاه استیناف مورد استفاده قرار می‌گیرد تا در برابر قاضی دادگاهی که تعیین کیفر می‌نماید.

دلیل دوم: دادگاه استیناف سعی در تعیین مجازات واقعی در هر پرونده نمی‌نماید؛ در عوض رییس دادگاه استیناف، به قضات دادگاه جزا اختیار تشخیص وسیعی داده است که تنها اگر مجازات‌های تعیین شده توسط دادگاه جزا مناسب با شدت جرم نباشد؛ در صورتی که همراه با عامل مخففه باشد، دادگاه استیناف برای کاهش مجازات دخالت کند.

دلیل سوم: تا زمان تصویب مواد ۳۵ الی ۳۶ قانون عدالت کیفری مصوب ۱۹۸۸، راهی که به دادگاه استیناف اجازه دهد یک مجازات شفاف را اعلام دارد، وجود نداشت. این مقررات بیان می‌کرد که اگر مجرم از حکم تجدیدنظر خواست دادگاه استیناف اجازه‌ی افزایش مجازات را ندارد؛ هر چند که به اعتقاد رییس دادگاه استیناف، اگر قضات این دادگاه در جایگاه دادگاه جزا می‌گرفتند، می‌توانستند مجازات شدیدتری را صادر نمایند.

با وجود این محدودیت‌ها و افزایش اهمیت حاکمیت قانون، گزارش‌های تصمیمات دادگاه‌های استیناف، در شیوه‌ای که قضات به آن رسیده یا باید به آن برسند؛ رهنمود مفیدی جهت تصمیم‌گیری در تعیین کیفر ارائه می‌نمایند. به‌رغم این نکته، گرایش و تمایل دادگاه استیناف، آن است که قضات از اختیارات خود در

تعیین مجازات استفاده نمایند. برای اولین بار دادگاه استیناف در پرونده‌ی جانسون<sup>۱</sup> قضاات را به این امر تشویق نمود. منابع گسترده‌ای برای کمک به دادگاه وجود دارد و وکیل متهم آن‌ها را ارائه می‌دهد. گزارش‌هایی از موارد تجدیدنظر از تعیین مجازات تحت عنوان «گزارشات تجدیدنظر کیفری (تعیین مجازات)»<sup>۲</sup> گزارشات ماهیانه که به عنوان «تجدیدنظر حقوق جزا»<sup>۳</sup> مربوط به تصمیمات تعیین کیفر، منتشر گردیده است؛ «رویه کیفری بلک استون»<sup>۴</sup> که بخش اساسی از تعیین کیفر را در بر دارد و موارد رهنمود دادگاه‌های استیناف که شامل دیدگاه‌های دادگاه استیناف در مورد تعیین کیفر در جرایم خاص است و به طور کلی تعداد بسیاری زیادی از تصمیمات دادگاه‌های استیناف مطابق با موضوعات دایره المعارف تحت عنوان «رویه‌ی جاری تعیین کیفر»<sup>۵</sup> جمع آوری و سازماندهی شده است.

## ۲. آستانه‌های مجازات اجتماعی و مجازات حبس<sup>۶</sup>

قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری (تعیین کیفر) سال ۲۰۰۰<sup>۷</sup> معیاری را بیان نموده که مجازات‌کننده می‌باید در تصمیم‌گیری برای تعیین کیفر، در موردی که اقدام به صدور مجازات اجتماعی و مجازات حبس می‌نماید، آن را مورد توجه قرار دهد. این مقررات شاید بهتر باشد به عنوان آستانه مورد توجه قرار گیرند. به عبارت دیگر، مجازات‌کننده می‌باید بررسی نماید که آیا مجرم از آستانه‌ی مجازات اجتماعی عبور کرده و یا آیا می‌تواند محکوم به مجازات حبس شود یا خیر.

بر اساس ماده‌ی ۳۶ قانون مذکور، دادگاه نباید اقدام به صدور یک مجازات اجتماعی نماید؛ مگر آن که از نظر دادگاه، جرم ارتكابی به همراه جرم دیگر یا جرایم مرتبط با آن، به اندازه‌ی کافی شدید<sup>۸</sup> بوده که مجازات اجتماعی را اقتضاء نماید. این

1. Jhnson[1994] CrimLRS 37
2. Criminal Appeal Reports (Sentencing)
3. Criminal Law Review
4. Blackston's Criminal Practice
5. Current Sentencing Practice
6. Thresholds for Custody and Community Sentences
7. The Powers criminal courts (sentencing) Act 2000
8. Serious enough

موضوع در مورد صدور مجازات حبس از پیچیدگی بیش‌تری برخوردار است. ماده‌ی ۷۶ قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری (۲۰۰۰) برای تعیین مجازات حبس، باید یکی از دو توجیه ذیل را داشته باشد:

- ۱- جرم آن چنان شدید<sup>۱</sup> باشد که تنها با مجازات حبس توجیه شود؛
- ۲- جرم، از نوع خشن یا جنسی<sup>۲</sup> باشد و تنها، مجازات حبس برای صیانت جامعه، از خطرات احتمالی مجرم مناسب باشد.

همان گونه که بیان گردید، مجازات‌ها دارای سلسله مراتبی می‌باشند. به طور کلی چنین مقرراتی، موجب ایجاد سلسله مراتب بین آن‌ها است. پایین‌ترین مرتبه‌ی آن، آزادی مجرم با تعویق مجازات به طور قطعی یا مشروط است و در مرتبه‌ی بعدی، جزای نقدی قرار دارد. شرط خاصی برای صدور این گونه مجازات‌ها که از شدت نسبتاً کمی برخوردار هستند، وجود ندارد؛ هر چند ملاحظاتی مانند مبلغ جزای نقدی در هنگام تصمیم‌گیری باید مورد توجه دادگاه قرار گیرد. پس از جزای نقدی، در مرتبه‌ی بعدی از نظر شدت، مجازات‌های اجتماعی قرار دارند. دادگاه برای صدور چنین مجازاتی، باید در نظر داشته باشد که جرم به اندازه‌ی کافی شدید است. در راس این هرم، شکل‌های متعددی از مجازات حبس وجود دارد. در این موارد، دادگاه باید حین تصمیم‌گیری در مورد مجازات، توجه کند که آیا مجرم از آستانه‌ی مجازات سالب آزادی عبور کرده است یا خیر؟ پس از این مرحله دادگاه باید معیارهای پیشین در مورد شدت جرم و حمایت از عموم را مورد توجه قرار دهد.<sup>۳</sup> در واقع مقررات قانونی هدف اولیه‌ی کیفر را تعیین می‌کنند؛ با این حال ماده‌ی ۷۹ قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری (۲۰۰۰) در مورد جرایم خشن و جنسی است و در حمایت از عموم، نقش پیش‌گیرانه را تأمین می‌نماید. علاوه بر موارد مذکور، شیوه‌ای که در آن دادگاه استیناف از مفهوم «شدت جرم»<sup>۴</sup> ارائه داده است، به مجازات‌کننده

1. So Serious

2. A violent or sexual offence

۳. صرف عبور از آستانه‌ی مجازات حبس برای صدور حبس کافی نمی‌باشد؛ بلکه دادگاه باید توجه نماید که آیا جرم آن چنان شدید بوده و یا حمایت از عموم (در جرایم جنسی و خشن) لازم است که مجازات حبس برای مجرم صادر نماید یا خیر (مترجم).

4. Offence seriousness

اجازه می‌دهد که «ارباب»<sup>۱</sup> را در تعیین کیفر مورد توجه قرار دهد. به طور کلی، شرط تناسب مانع توجه دادگاه به اصلاح<sup>۲</sup> مجرم نخواهد بود. دستورات اجتماعی هم به ویژه بر حسب محدودیت‌هایی که صادر می‌شود باید متناسب با جرم ارتكابی و شخص مجرم باشد.

قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ در زمینه‌ی آستانه‌های توصیف شده در این ماده، تغییر قابل توجهی را اعمال خواهد کرد. این تغییر در ماده‌ی (۲) ۱۵۱ قانون مذکور آمده است تبصره‌ی ۲ ماده‌ی مذکور مقرر می‌دارد: با توجه به اوضاع و احوال موجود، دادگاه چنانچه احراز نماید که به نفع عدالت است می‌تواند به جای مجازات جزای نقدی، اقدام به صدور یک مجازات اجتماعی برای مجرم نماید. این تبصره تأکید دارد که یک مجازات اجتماعی می‌تواند با ابزارهای مالی محدود، به جای جزای نقدی به کار رود، مشروط به این‌که، جرم ارتكابی شدت کافی برای توجیه یک مجازات اجتماعی را داشته باشد. به عکس، در موردی که شدت جرم از آستانه‌ی مجازات اجتماعی عبور کرده باشد، می‌توان به جای یک مجازات اجتماعی، مجازات جزای نقدی مناسبی صادر نمود.

### ۳. شدت جرم

شدت جرم، تنها معیاری است که می‌توان بر اساس آن، مجازات اجتماعی تعیین کرد. به علاوه معیار اولیه برای مجازات حبس، شدت جرم است، هر چند در خصوص حبس، مجازات کننده می‌تواند در جرایم خشن یا جنسی، با اتکاء به ضرورت حمایت از عموم به عنوان توجیهی جای‌گزین،<sup>۳</sup> اقدام به صدور مجازات حبس نماید. شدت جرم، یک معیار مهم برای تعیین طول مجازات‌های حبس و هم‌چنین تعیین میزان و مبلغ جزای نقدی است.

در پاسخ به این سوال که معیار تعیین جرم شدید چیست، باید گفت تا آنجا که مربوط به بند ۱ (تعیین معیار شدت) می‌باشد، دادگاه استیناف برخی رهنمودها را

1. Deterrence

2. Rehabilitation

۳. حمایت از عموم (Public Protection) به عنوان معیاری برای صدور مجازات حبس جای‌گزین شدت جرم

می‌گردد (مترجم)



به عنوان معیاری برای اجراء مقرر داشته است. در پرونده کوکس<sup>۱</sup> دادگاه معیار شدت جرم را مورد تأیید اعضای جامعه دانست، به گونه‌ای که احساس نمایند که عدالت تنها با تعیین مجازات حبس اجراء می‌شود.

در پرونده‌ی هولز<sup>۲</sup> بیان گردید که معیار «تأیید اعضای جامعه»<sup>۳</sup> کمک زیادی به این امر نمی‌کند؛ چرا که گرایش و تمایل طبیعی قضات بر آن است که فرض نمایند دیدگاه‌هایشان، نظر اعضای جامعه را در خصوص موضوع منعکس می‌کند. بنابراین لرد بینگام<sup>۴</sup> رییس دادگاه استیناف، در پرونده‌ی هولز، عوامل زیر را در تعیین شدت جرم مؤثر اعلام کرد:

- ۱- ماهیت و میزان قصد مجرمانه؛
  - ۲- ماهیت و میزان صدمه یا خسارت جزایی وارده به قربانی جرم؛
  - ۳- با سبق تصمیم بودن جرم یا ناگهانی و ارتجالی بودن آن؛
  - ۴- هر نوع تحریکی که مجرم تحت تأثیر آن بوده است؛
  - ۵- هر نوع صدمه‌ی جسمی یا آسیب روحی که قربانی از آن رنج می‌برد؛ به ویژه اگر صدمه دائمی باشد؛
  - ۶- محکومیت قبلی مجرم یا قصوری که در پاسخ به مجازات‌های قبلی مرتکب شده است.
- رییس دادگاه استیناف سپس اقدام به بیان عوامل مخففه‌ی مرتبط با مجرم نمود و بیان کرد که موارد ذیل باید در صدور مجازات حبس در موارد بینابین (مرز آستانه‌ی جرم) مورد توجه قرار گیرند:
- ۱- اقرار مجرم به قبول مسئولیت جرم، به ویژه هنگامی که اقرار به مجرمیت، زود هنگام باشد به گونه‌ای که دلالت بر ندامت وی از عمل ارتكابی باشد. برای مثال اظهار ندامت به قربانی جرم و پیشنهاد جبران خسارات وارده به او؛
  - ۲- چنانچه ارتكاب جرم مرتبط با اعتیاد به مشروبات الکلی یا مواد مخدر و نشانه‌ای از تصمیم مجرم به ترک اعتیاد مشاهده شود؛

1. Cox [1993] 1 WLR 188

2. Howells [1998] Crim LR 836

3. Right- thinking members of the public

4. Lord Bingham

۳- جوانی و ناپختگی مجرم؛

۴- شخصیت خوب قبلی؛

۵- مسؤولیت‌های خانوادگی؛

۶- ناتوانی جسمی یا روانی؛

۷- عدم پیشینه‌ی تحمل مجازات حبس.

در پرونده‌ی کونینگام،<sup>۱</sup> در تعیین شدت جرم، «ارباب» ناشی از آن محاسبه شد. به علاوه گستردگی آثار جرم یک عامل مهم در اتخاذ تصمیم برای تناسب تعیین مجازات است. دادگاه استیناف آستانه‌ی شدت جرم را برای مجازات حبس در سطح خیلی پایینی قرار داد. در پرونده‌ی فنتون<sup>۲</sup> که مجرم، در جریان درگیری، با زدن به سینه‌ی قربانی جرم، او را هل داد، به علت خطر گسترش چنین درگیری‌هایی، مجازات حبس مناسب دیده شد. در پرونده‌ی مکونیک<sup>۳</sup> در جرم سرقت و مهیا کردن وسیله‌ی ارتکاب سرقت، به رغم ارزش پایین اموال (پانزده پوند) به جهت خیانت به اعتماد دیگری مجازات حبس مقرر گردید.

در پرونده‌ی بوند<sup>۴</sup> سرقت استیک‌های ژامپون به ارزش سه و نیم پوند از یک سوپرمارکت، برای عبور از معیار شدت، حبس در نظر گرفته نشد. هم‌چنین در پرونده‌ی الدر<sup>۵</sup> جرم وارد نمودن دویست گرم حشیش و هفتصد گرم گیاه حشیش، آن چنان شدید تلقی نگردید که مجازات حبس برای آن توجیه شود.

با اعمال ماده‌ی (۱) ۱۴۳ قانون عدالت کیفری (۲۰۰۳)، معیاری برای تشخیص شدت ارایه شد و مقرر گردید که دادگاه در بررسی شدت هر جرمی، باید قابلیت سرزنش مجرم در ارتکاب جرم و صدمه‌ای که ایجاد نموده یا قصد ایراد آن را داشته یا ایجاد آن قابل پیش‌بینی است را مورد توجه قرار دهد. هر چند معیار «قابلیت سرزنش» مقاصد و انگیزه‌ها برای جرم ارتكابی و صدمه‌ی وارده، به عنوان مثال صدمه‌ای که قربانی جرم از آن رنج می‌برد، وسیع و نامحدود است، اما این

1. Cunnigham [1993] 14 Cr App (S) 444

2. Fenton [1994] 15 Cr App R (S) 682

3. McCnrick [ 1994]16 Cr App (S) 134

4. Bond [ 1994 ] 15 Cr App R (S) 430

5. Elder [1994 ] 15 Cr App R (S) 514

فرمول قانونی یک گام به جلو ارزیابی شده است. در برخی از موارد، همانند شروع به جرم قتل عمد، میزان قابلیت سرزنش می‌تواند بسیار بالا و میزان صدمه‌ی وارده جزئی باشد و یا در مواردی همانند تسبیب در قتل دیگری در اثر رانندگی خطرناک، صدمه‌ی وارده می‌تواند بالاتر و سنگین‌تر از قابلیت سرزنش باشد. پروفیسور واسیک<sup>۱</sup> در رهنمود بلک استون برای قانون عدالت کیفری (۲۰۰۳)<sup>۲</sup> بیان کرد که ارتباط بین صدمه و قابلیت سرزنش، توسط شورای رهنمودهای تعیین مجازات بیان می‌شود. زمانی که دادگاه شدت جرم را مورد بررسی قرار می‌دهد، باید تمام اطلاعات قابل استفاده راجع به اوضاع و احوال جرم که شامل همه‌ی عوامل مخففه و مشدده است را مورد توجه و محاسبه قرار دهد. علاوه بر موارد مذکور بر اساس بند ۱ ماده‌ی ۱۵۸ قانون مذکور، دادگاه مجاز است هر موضوعی که مرتبط با تخفیف است را مورد توجه قرار دهد. از این رو دادگاه محدود به موضوعات مرتبط با جرم (برای تعیین شدت جرم) نشده، بلکه می‌تواند حداقل تا آنجایی که مربوط به عوامل مخففه‌ی مرتبط با مجرم است، به عنوان نمونه تلاش مجرم جهت جبران خسارات وارده را در محاسبه‌ی شدت جرم مورد لحاظ قرار دهد.

به موجب ماده‌ی (۱) ۱۵۱ قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری (۲۰۰۰) دادگاه می‌تواند محکومیت‌های قبلی را در تعیین شدت جرم کنونی مورد توجه قرار دهد.

#### ۴. حمایت از عموم

ضرورت حمایت از عموم، معیاری مهم در اتخاذ تصمیم می‌باشد. برای تعیین مجازات حبس برای جرم ارتكابی، دادگاه می‌تواند به عنوان یک جایگزین مناسب شدت جرم، به مقررات (b) ۷۹۳ قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری (۲۰۰۰) استناد نماید که مقرر می‌دارد: «زمانی که جرم ارتكابی یک جرم خشن یا جرم جنسی است و تنها چنین مجازاتی (حبس) برای حمایت از عموم متناسب خواهد بود...» در ماده‌ی b (۲) ۸۰ نیز مقررات مشابهی مقرر گردیده که دادگاه را قادر می‌سازد حمایت از عموم را در تعیین مدت مجازات حبس مورد توجه قرار دهد.

1. Wasik

2. Blackston's Guide to the Criminal Justice Act 2003 (OUP 2004)

صدمه‌ای که عموم باید در مقابل آن حمایت شود، از سوی مجرم است، نه صدمه‌ای که ممکن است که دیگران با ارتکاب جرم مشابه به وجود آورند؛ مگر این که با اطلاع یافتن از مجازات تعیینی برای مجرم، به آنان هشدار داده شود. به عبارت دیگر، معیار حمایت از عموم، نه تنها برای ارباب دیگران به کار می‌رود؛ بلکه برای پیش‌گیری از ارتکاب جرم از سوی مجرم نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد.<sup>۱</sup> در قانون عدالت کیفری (۱۹۸۲) مقررات مشابهی در مورد مجرمان جوان بیان گردیده است که متعاقباً به طور کامل‌تر در قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری (۲۰۰۰) مقرر گردید. برای توجیه معیار «حمایت از عموم»، جرم ارتكابی باید خشن یا جنسی باشد. مطابق ماده‌ی (۱) ۱۶۱ قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری (۲۰۰۰)، جرم خشن جرمی است قطعاً یا احتمالاً به مرگ یا ایراد صدمه بدنی منجر می‌شود یا آن که این قصد نتیجه شده است. ایجاد حریق جرمی خشن محسوب می‌شود؛ خواه در داخل این تعریف گنجانده شود یا خیر. در دیگر جرایم به منظور تصمیم‌گیری در مورد خشن بودن جرم، مجازات‌کننده باید به واقعیات توجه نماید. بنابراین با توجه به اوضاع و احوال خاص، جرم مقرون به اذیت و آزار می‌تواند داخل در تعریف ماده‌ی (۱) ۱۶۱ قرار بگیرد یا آن که مشمول آن نشود. در پرونده‌ی چامن<sup>۲</sup> دادگاه استیناف بیان کرد که در سرقت مقرون به آزار از طریق اقدام به شلیک اسلحه‌ی گرم پر، جرمی خشن تلقی می‌گردد؛ به این دلیل که احتمالاً ایراد صدمه‌ی بدنی را به دنبال دارد. در پرونده‌ی بی بی،<sup>۳</sup> سارق، کارمندان یک مجتمع ساختمانی را با چاقو تهدید کرد، اما منجر به صدمه‌ی بدنی نگردید یا آن که قصد ایراد صدمه نداشت. دادگاه استیناف مقرر کرد که جرم خشنی که مشمول مقررات ماده‌ی (۱) ۳۱ قرار گیرد، واقع نشده است. در پرونده‌ی خان،<sup>۴</sup> همراه داشتن سلاح خالی در جریان سرقت مقرون به آزار و اذیت، جرم خشن تلقی گردید و در پرونده‌ی پابن<sup>۵</sup> در خصوص سلاح گرم تقلبی، نتیجه‌ی مشابهی اتخاذ شد.

1. See: Jacobs (1989) 11 Cr App r (S) 171
2. Chapman(1994) 15 Cr App R (S) 844
3. Bibby (1995) 16 Cr App R (S) 127
4. Khan(1995) 16( Cr App R (S) 180
5. Palin (1995) 16 Cr App R (S) 888

صدمه‌ی وارده‌ی موضوع ماده‌ی مذکور، باید صدمه‌ی جسمی باشد. بنابراین در پرونده‌ی ریچارت<sup>۱</sup> تهدید به کشتن، مشمول این مقررات قرار نگرفت و در پرونده‌ی بیان شد که ایجاد شوک برای ایراد صدمه کفایت نمی‌کند.<sup>۲</sup>

«جرم جنسی» در قانون درج شده است. به طور خلاصه، جرم جنسی شامل: تجاوز به عنف، موارد شدیدتر لواط، زنا یا محارم، مقاربت با دخترِ خردسال، جریحه‌دار کردن عفت عمومی، گرفتن صور قبیحه از کودکان، ورود به منزل دیگری به قصد تجاوز و هم‌چنین فریب، اقدامات و اغوا به ارتکاب هر یک از این جرایم است. در صورتی که دادگاه تشخیص دهد که مجرم در صدد ایجاد خطر صدمه‌ی شدید برای عموم است، می‌تواند معیار حمایت از عموم را به تنهایی مورد لحاظ قرار دهد. بر اساس ماده‌ی ۱۶۱ «صدمه‌ی شدید» شامل «مرگ یا صدمه‌ی جسمی شدید می‌باشد که شامل صدمه‌ی بدنی و روانی است». بر خلاف جرایم خشن که صدمه‌ی روانی را مستثنی نموده است، شرط «صدمه‌ی شدید» (در حمایت از عموم) شامل هر دو صدمه‌ی جسمانی و روانی می‌شود. علاوه بر موارد مذکور، در تعیین شدید بودن صدمه شدید دادگاه به آسیب‌پذیری قربانیان بالقوه‌ی جرم مانند کودکان توجه می‌نماید.<sup>۳</sup>

## ۵. عوامل مخففه و مشدده

ملاحظات قانونی در خصوص تخفیف در این قسمت مورد بررسی قرار می‌گیرند.

### ۵-۱. ساختار قانونی

قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری عوامل مخففه را که معمولاً همراه با عوامل مشدده است، تعیین کرده است.

(۱) دادگاه پیش از صدور مجازات حبس باید تمام اطلاعات راجع به اوضاع و

1. Rechart (1995) 15 CrApp R (S) 977

2. Rabinson (1993) 14 Cr App R (S) 448

3. Bowaler (1994) 15 Cr App R (S) 78

احوال جرم و عوامل مخففه و مشدده‌ای که برای دادگاه قابل دسترس است را مورد محاسبه قرار دهد (ماده‌ی a (۴) (۸۱)؛

۲) الزام مشابهی نیز در صدور مجازات‌های اجتماعی نیز چنین الزامی برای دادگاه وجود دارد (ماده‌ی (۱) (۳۶).

حتی اگر جرم آن چنان باشد که از آستانه‌ی مجازات حبس گذشته باشد، جهات تخفیف مانند اقرار به مجرمیت، همکاری با پلیس، شخصیت و جوانی که ذیلاً بیان می‌گردد، می‌تواند مجرم را از مجازات حبس رها سازد.<sup>۱</sup> این اصل در ماده‌ی (۲) ۱۶۶ قانون عدالت کیفری (۲۰۰۳) مورد تأیید قرار گرفته است.

## ۲-۵. اقرار به مجرمیت

قاضی نباید به این علت که مجرم اقرار به مجرمیت ننموده، مجازات او را افزایش دهد؛ هر چند معلوم شود که مجرم اظهارات دروغ نموده است.<sup>۲</sup> هم‌چنین قاضی نباید به علت ماهیت دفاع متهم که در بردارنده‌ی ادعاهای ناخوشایندی علیه پلیس است،<sup>۳</sup> او را ملزم به دعوت از شهودی به نفع خود نماید در صورت عدم حضور شهود، او را ملزم به حاضر نمودن آن‌ها کند که به طور خاصی موجب آشفتگی آنان شده و یا حتی برای آنان مضر است. این اصل معمولاً اعمال نمی‌شود؛ زیرا هر قاضی تصریح نمی‌کند که به علت عدم اقرار به مجرمیت، مجازات او را افزایش می‌دهد، ولی عملاً می‌تواند حکم به مجازات شدیدتری صادر نماید. به علاوه این یک اصل مسلم در حقوق کامن لا است که اگر متهم به مجرمیت قرار کند، به مجازات سبک‌تری محکوم می‌گردد.<sup>۴</sup> به عبارت دیگر، اقرار به مجرمیت دلیل خوبی برای کاهش مجازات است، اما عدم اقرار به مجرمیت، توجیهی برای افزایش مجازات نمی‌باشد.

اگر از طریق اقرار به مجرمیت چیزی برای پلیس و نظام عدالت کیفری نتیجه‌ای حاصل نشود؛ چرا متهم باید شانس به دست آوردن تخفیف مجازات یا برائت از اتهام انتسابی را داشته باشد؟ زیرا کاهش مجازات مجرم را به اقرار به مجرمیت

1. Cox[1993] 1 WLR 188

2. Quinn (1932) 23 Cr App R 196

3. Skone (1967) 51 Cr App R (S) 165

4. Cain [1976] QBA 96

تشویق می‌کند.

ماده‌ی ۱۵۲ قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری دادگاه را به تخفیف مجازات مجرمی که اقرار به مجرمیت می‌نماید دلالت کرده است.

رییس دادگاه استیناف در پرونده‌ی هولز<sup>۱</sup> بیان کرد که قاضی باید هنگام اتخاذ تصمیم در مورد ایم که شدت جرم از آستانه‌ی مجازات حبس گذشته است، اقرار مجرم به پذیرش مسؤولیت جرم ارتكابی را به ویژه زمانی که اقرار به مجرمیت در اولین فرصت صورت گرفته و حاکی از پشیمانی او باشد، به طور مثال با اظهار ندامت به قربانی جرم یا پیشنهاد جبران خسارات را احراز نماید.

اصل آن است که هر چه تخفیف به جهت اقرار به مجرمیت بیش تر باشد، اقرار به مجرمیت زودتر انجام می‌گیرد. این موضوع ریشه در تصمیمات دادگاه استیناف دارد. برای نمونه، رییس دادگاه استیناف در پرونده‌ی هولینگ تون،<sup>۲</sup> لاوتون<sup>۳</sup> بیان کرد: «تخفیف مجازات‌ها مناسب است اما هر چیزی بستگی به اوضاع و احوال هر پرونده دارد. اگر فرد بازداشت شده، در همان آغاز نزد پلیس اقرار به جرم کند یا پلیس را در کشف اموال و شناسایی شرکاء و معاونان جرم یاری نماید؛ مشمول تخفیف خواهد شد. اما اگر با توجه به اوضاع و احوال جرم، به اقرار مجرمیت امید نباشد و دفاع دیگری ارائه کند، نمی‌تواند انتظار زیادی برای تخفیف داشته باشد. چنانچه اقرار، تاکتیکی بوده باشد،<sup>۴</sup> دادگاه با مشکل زیادی مواجه می‌شود و فهمیدن این که متهم برای به دست آوردن تخفیف کامل، اقرار به مجرمیت نموده است، اجرای عدالت بهتر خواهد شد».

دادگاه استیناف در پرونده‌ی رافرتی<sup>۵</sup> تأکید کرد در جرایمی که به صورت دو

1. Howlls [1998] Crim LR 836

2. Hollington(1985) 7 Cr App R (S) 364

3. Lawton

۴. منظور آن است که مجرم خود را بی‌گناه می‌داند، ولی با توجه به دلایلی که علیه او وجود دارد، احتمال قوی به محکومیت خود می‌دهد؛ برای به دست آوردن تخفیف اقدام به اقرار مجرمیت می‌نماید و به این جهت دادگاه در رسیدگی برای تعیین کیفر با مشکل مواجه خواهد شد (مترجم).

5. Rafferty (1998) 2 Cr App R (S) 449

وجهی<sup>۱</sup> رسیدگی می‌شوند اولین مرحله‌ای که متهم در آن می‌تواند اقرار به مجرمیت نماید، دادگاه مجسטרیتی (دادگاه صلح) است که دفاع متهم در آن استماع می‌شود. اگر متهم در این مرحله به مجرمیت اقرار نماید، نسبت به فردی که جرم وی با کیفرخواست در دادگاه جزا که با تأخیر صورت می‌گیرد، رسیدگی می‌شود، استحقاق بیش‌تری برای تخفیف مجازات خواهد داشت.

میزان تخفیف ناشی از اقرار متهم به مجرمیت معین نیست. دادگاه استیناف در مواردی بیان کرده است که کاهش در مجازات‌های حبس، حداکثر تا یک سوم است. دستورالعمل‌های صادره از سوی انجمن مجستریت<sup>۲</sup> در سال ۱۹۹۷ چنین بیان می‌کند: «اقرار به موقع مجرمیت می‌تواند تا یک سوم مجازات را کاهش دهد. اما میزان دقیق کاهش مجازات، بستگی به وضعیت هر پرونده دارد و اقرار به مجرمیت در آخرین لحظات، حداقل کاهش مجازات را به دنبال خواهد داشت». بر اساس ماده‌ی (۱) ۱۵۲ قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری (۲۰۰۰) وقتی مجرم قصد خود را برای اقرار به مجرمیت در آخرین مراحل نشان دهد کاهش مجازات کم‌تر خواهد بود.

### ۳-۵. همکاری با پلیس

همکاری با پلیس، به معنای عدم مقاومت برای بازداشت و اقرار صادقانه به جرم ارتكابی در مرکز پلیس است. با این اقدام مجرم از تخفیف برخوردار می‌شود، لیکن به اندازه‌ی اقرار به مجرمیت، تأثیر زود هنگام ندارد. همکاری به این معنا است که اگر دلیلی برای تعقیب شرکای متهم باشد، باید منجر به کاهش اساسی در مجازات شود. حتی در مواردی که اطلاعات یا دلایلی علیه مجرمانی که با وی همکاری داشته‌اند ارائه نماید و منجر به محکومیت تعداد زیادی از شرکای مجرم شود، کاهش زیادی از مجازات برای متهم قابل تصور است. در پرونده‌ی لوو،<sup>۳</sup> وی که به اتهام سرقت مقرون به آزار و اذیت و داشتن اسلحه‌ی کشنده<sup>۴</sup> بازداشت شده بود؛ به پلیس پیشنهاد

۱. جرم دو وجهی، جرمی است که تحت شرایطی، هم در دادگاه مجستریت (دادگاه صلح) و هم در دادگاه جزا انگلستان قابل رسیدگی است (مترجم).

2. Magistrates Association

3. Lowe (1997) 66 Cr App R (S) 122

4. Sawn-off shotgun



کرد که همه چیز را بگوید و با پذیرش نود و یک فقره جرم که شامل پانزده سرقت مقرون به آزار و اذیت و بعضاً مسلحانه، یازده فقره فریب برای سرقت و سی و یک فقره ورود به منزل دیگری برای سرقت بود؛ چهل و پنج نفر دیگر را لو داد که تعداد زیادی از آن‌ها بازداشت شدند. مامور پلیس حین ارائه‌ی تحقیقات خود به دادگاه استیناف، بیان کرد که در نتیجه‌ی اطلاعات لوو بوده که پلیس اکثر سرقت‌های شدید کل شرق لندن را کشف کرده است و اموال مسروقه را به ارزش چهارصد هزار پوند کشف کند. وی تنها به دوازده فقره جرم که مشتمل بر شدیدترین جرایمی بود که در آنها دخالت داشت (سرقت بیش از یک هزار مورد ویسکی) متهم شد. دادگاه جزا او را برای سرقت مذکور (هم زمان با سایر فقرات) به ده سال حبس و برای شرکت در جرایم متعدد، به هجده ماه حبس تعلیقی؛ جمعاً به یازده سال و نیم محکوم نمود. دادگاه استیناف، مجازات او را به پنج سال حبس کاهش داد. دادگاه استیناف در توجیه کاهش مجازات بیان کرد که تنها با اطلاعاتی همچون اطلاعات لوو می‌توان مجرمین را در هم شکست. این کاهش مجازات به نفع عموم است؛ زیرا افرادی را که در فعالیت‌های مجرمانه دخالت دارند، تشویق می‌نماید که پلیس را یاری دهند. اگر همکاری افرادی همانند لوو در میزان مجازات مؤثر نباشد، دیگران پا پیش نخواهند گذاشت. میزان تخفیف مجازات فردی که دیگران را لو می‌دهد (یک آدم فروش) و از این طریق به پلیس کمک می‌کند، نسبت به جرایمی که به آن‌ها اقرار نموده است، بیش‌تر است.<sup>۱</sup>

اصول فوق مجدداً از سوی رییس دادگاه استیناف در پرونده‌ی کینگ<sup>۲</sup> بیان گردیده و مجازات را به میزان نصف یا دو سوم مجازات معمولی تقلیل داد.

#### ۴-۵. شخصیت خوب و بد

دادگاه‌ها به طور سنتی سوابق شخصیت خوب مجرم را به عنوان عامل مخففه مورد توجه قرار داده‌اند. سیاست دیرینه‌ی تعیین کیفر که از طریق تصمیمات دادگاه استیناف پی‌ریزی می‌شود، آن است که با مجرمین فاقد سابقه، برخورد و رویکرد ملایم‌تری صورت گیرد.

1. Rose (1980) 71 Cr App R (S) 227

2. King (1985) 6 Cr App R (S) 227

در موارد بسیاری با مجرمان فاقد سابقه با ملایمت برخورد شده است. در پرونده‌ی وارد<sup>۱</sup> که مردی ۲۹ ساله، خجالتی و تنها بود و با والدینش زندگی می‌کرد و به آن‌ها کمک زیادی می‌نمود، اقرار به سرقت تجهیزات الکتریکی به مبلغ شش هزار پوند از شرکتی که در آن کار می‌کرد به‌رغم خصیصه‌ی مشدده جرم ارتكابی به جهت نقض بی‌شمرانه‌ی امانت و میزان قابل توجه ارزش مال مسروقه، دادگاه استیناف مجازات او را از دوازده ماه به سه ماه حبس کاهش داد. در پرونده‌ی کزچاک<sup>۲</sup> یک مامور حسابداری در یک شرکت ملی امنیتی<sup>۳</sup> در یک دوره‌ی چهار ساله از کارفرمایان خود شصت و هشت هزار پوند اخذ کرده بود و آثار ارتكاب جرم را نیز از طریق صورت‌حساب‌های نادرست مخفی نموده بود، مجازات چهار سال حبس وی به نصف تقلیل یافت و نصف دیگر مجازات نیز تعلیق گردید. در پرونده‌ی هالی<sup>۴</sup> که مردی مهربان، ملایم و بی‌آزار بود و به جهت اوهام ذهنی که او را آزار می‌داد، تصور نمود که همسرش با مرد دیگری رابطه‌ی پنهانی دارد و بدین جهت به منزل آن مرد رفت و چهار ضربه به نواحی پشت و سینه‌ی او وارد نمود که می‌توانست منجر به مرگ وی شود؛ هر چند به طور کامل بهبود یافت. دادگاه استیناف در تصمیم متخذه اعلام کرد هر چند مجازات واقعی وی هجده ماه حبس می‌باشد، اما مجازات او را به نه ماه حبس تقلیل و آن را تعلیق می‌نماید. در هر یک از موارد مذکور، درخواست کننده تجدیدنظر فاقد سابقه‌ی محکومیت کیفری بوده است و این اعتقاد وجود دارد که مجرم باید فاقد سابقه‌ی محکومیت از همان نوع جرم باشد. به عنوان نمونه، وکیل متهم در ارائه‌ی درخواست تخفیف به دادگاه، می‌تواند بیان دارد که هر چند موکلش سابقه‌ای از یک کلاهبرداری کوچک دارد، اما در مقایسه با جرم ایراد ضرب و جرح که به خاطر آن مجازات می‌شود، فاقد سابقه‌ی خشونت محسوب می‌گردد لذا باید به عنوان فردی با شخصیت خوب با وی رفتار شود. استدلال دیگر آن است که باید بین جرم کنونی و آخرین جرمی که متهم مرتکب شده، اختلاف اساسی وجود داشته باشد به گونه‌ای که نشان دهد مجرم تلاش صادقانه‌ای برای اصلاح رفتار خود انجام داده است. در تعیین

1. Ward (1981) 3 Cr App R (S) 350

2. Czechak (1983) Crim LR 340

3. National Trust

4. Haley (1983) 5 Cr App R (S) 9

کیفر برای کنفیلد<sup>۱</sup> به اتهام تلاش ناشیانه برای ورود به منزل دیگری برای سرقت از یک فروشگاه، مجازاتش از نه ماه حبس به مجازات اجتماعی تبدیل گردید. کنفیلد سی و دو ساله که دارای سابقه‌ی محکومیت به جرم سرقت در سال‌های ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۶ داشت، پس از آزادی از زندان در سال ۱۹۷۷ روش زندگی خود را تغییر داد، کار پیدا کرد و ازدواج نمود و جز در موارد تخلفات رانندگی که منجر از دست‌انداز شد، این اولین بار بود که مرتکب سرقت گردیده بود. مدت پنج سال رفتار خوب وی، مانع از آن شد که به زندان برود.

اصول کامن لو که فوقاً بیان گردید، به عنوان تخفیف‌گام به گام یا تدریجی توصیف می‌گردد. ممکن است اعتبار مجرمی که دارای ارزش و اعتبار شخصیت خوب اولیه بوده است؛ از طریق هر جرمی که به آن محکوم می‌شود به تدریج کاهش می‌یابد. اصول مذکور در ماده‌ی (۱) ۱۵۲ قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری (۲۰۰۰) مورد تأکید قرار گرفته است. این ماده مقرر می‌دارد: «در بررسی شدت هر جرمی، دادگاه می‌تواند هر گونه محکومیت قبلی مجرم یا هر گونه قصوری که در پاسخ به مجازات‌های قبلی داشته است را مورد لحاظ قرار دهد».<sup>۲</sup> این ضابطه‌ی قانونی، به صرف محکومیت اشاره کرده، ذکری از نوع سوابق قبلی و اوضاع و احوال آن به میان نیاورده است. دادگاه باید در خصوص محکومیت آن‌ها را به میزانی که در شدت جرم کنونی موثر است، مورد توجه قرار دهد.<sup>۳</sup> جرایم با ماهیت مشابه نسبت به جرایمی با ماهیت متفاوت، در مسؤولیت کیفری ضرر بیشتری برای مجرم دارد. هم‌چنین ماده‌ی ۱۵۱ قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری مقرر می‌دارد: «دادگاه می‌تواند در تعیین شدت جرم، قصور مجرم در پاسخ‌گویی به مجازات‌های قبلی را مورد محاسبه قرار دهد». عبارت مجازات‌های قبلی به آن معنا است که مجرم باید حداقل دو بار به مجازات محکوم شده باشد تا مشمول ماده‌ی ۱۵۱ شود. مطابق بندهای ۳ تا ۶ ماده‌ی ۱۵۱ این قانون، مجازات شامل دستورات اجتماعی آزادی مشروط و مطلق می‌شود. دادگاه احتمال تأثیر نقض دستور اجتماعی را در تعیین شدت جرم در نظر

1. Canfield (1982) 4 Cr App R (S) 94

2. Gibson (1994) Crim LR 104

3. See: A, Ashworthe and B. Gibson, "Altering the sentencing framework" [1994] Crim LR 104

خواهد داشت.

از زمان اجرای ماده‌ی (۲) ۱۴۳ قانون عدالت کیفری (۲۰۰۳)، سابقه‌ی مجرم نقش برجسته‌تری در تعیین مجازات ایفا می‌نماید. مطابق این ماده «در بررسی شدت جرم (جرم فعلی) ارتكابی توسط مجرمی که دارای یک یا چند محکومیت قبلی است، دادگاه باید هر فقره محکومیت قبلی او را به عنوان عامل مشدده محسوب نماید؛ و آن را به طور معقولی مورد بررسی قرار دهد به ویژه زمانی که:

- ۱- ماهیت جرمی که به آن محکوم شده است، مرتبط با جرم فعلی او باشد؛
- ۲- مدتی از زمان محکومیت گذشته است.

در پرونده هولز،<sup>۱</sup> لرد بینگام<sup>۲</sup> رییس دادگاه استیناف بیان کرد که هر چقدر دلایلی مبنی بر شخصیت خوب مجرمان مانند سابقه‌ی فعالیت جدی یا انجام مطلوب امور خانوادگی بیش تر باشد، ملایمت بیشتری با مجرمان خواهد شد. دادگاه استیناف در پرونده‌ی کلارک،<sup>۳</sup> در رسیدگی به اتهام مجرمی که برادرزاده‌هایش را که مادرشان فوت کرده بود، نگه‌داری می‌کرد و فعالیت‌های خیریه انجام داده بود، مجازات او را از شش ماه حبس به هفت روز کاهش داد، هر چند که او به سه فقره جرم متقلبانه و یک جرم کسب مال از طریق کلاهبرداری اقرار نموده بود و میزان مال مورد کلاهبرداری بالغ بر ۱۸۰۰۰ پوند گردید.

## ۵-۵. جوانی

جوان بودن مجرم می‌تواند یک عامل مخففه باشد. اگر به یک مجرم جوان مجازات حبس داده شود، احتمالاً طول مدت حبس وی از میزان مجازات حبسی که به مجرم دارای سن بالای بیست و یک سال داده می‌شود، کوتاه‌تر خواهد بود. برای مثال در پرونده‌ی استوری<sup>۴</sup> اتهام یک جوان شانزده ساله، شرکت در ایجاد حریق در مدرسه‌اش بود که بالغ بر سیصد و هفتاد هزار پوند خسارت وارده کرده بود. دادگاه استیناف مجازات پنج سال حبس او را به سه سال کاهش داد. استدلال

1. Howells (1998) Crim LR 836

2. Lord Bingham

3. Clark (1999) The Times, 27 January 1999

4. Storey [1984] Crim LR 438

دادگاه استیناف آن بود که تعیین مدت حبس برای یک فرد جوان، نباید مانند کسی که مسؤولیت کامل دارد، طولانی باشد؛ هر چند مجازات شدید به علت ماهیت جرم ارتكابی لازم شمرده شود. در پرونده‌ی پاگت<sup>۱</sup> مجازات قتل غیر عمد (یک مرد مسن) در جریان سرقت مقرون به آزار و اذیت به جهت آن که تجدیدنظرخواهان‌ها نوزده و بیست ساله بودند، از هشت سال به شش سال کاهش یافت. هم‌چنین در پرونده‌ی بیلام،<sup>۲</sup> لرد لوان رییس دادگاه استیناف در رهنمودی برای تعیین مدت حبس برای مجرمان بالای بیست و یک ساله که به اتهام تجاوز به عنف محکوم شده بودند، بیان کرد که هر چند صدور مجازات حبس غیر قابل اجتناب است (در پرونده‌ی متجاوزان به عنفی که سن آنان هفده تا بیست سال بود)، ولی مجازات صادره می باید به تناسب سن آنان کاهش یابد.

جوانی مجرم نه تنها عاملی موثر در کاهش مجازات است، بلکه در تعیین نوع مجازات نیز موثر می‌باشد. برای مثال رییس دادگاه استیناف در پرونده‌ی سایمور<sup>۳</sup> در صدور مجازات اجتماعی به جای مجازات حبس، برای مجرمان جوانی که مرتکب «جرم ورود به منزل دیگری به قصد سرقت» شده بودند، پافشاری نمود.

### ۶-۵. عامل مشدده‌ی نژادی و مذهبی

دادگاه استیناف انگیزه‌ی نژادی برای ارتکاب جرم را به عنوان عامل مشدده تلقی نموده است. این اصل در ماده‌ی ۱۵۳ قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری (۲۰۰۰) مورد تصریح قرار گرفته است. مطابق این ماده، جرم بر اساس انگیزه‌ی نژادی به عنوان عاملی برای افزایش شدت جرم است. حوزه‌ی این عامل مشدده، در ماده‌ی ۳۹ قانون ضد تروریسم، جرم و امنیت (۲۰۰۱) توسعه پیدا کرد. در بخشی از ماده‌ی ۲۸ قانون جرم و بی نظمی (۱۹۹۸) در تعریف عامل مشدده‌ی نژادی و مذهبی چنین مقرر گردیده است:

عامل مشدده‌ی نژاد و مذهب در صورتی موجب افزایش شدت جرم می‌شود

1. Paget (1982) 4 Cr App R (S) 399

2. Billam [1986]1 WLR 349

3. Seymour (1983) 5 Cr App R (S) 85

که زمان ارتکاب جرم یا بلافاصله پیش یا پس از آن، مجرم بر اساس ایم که قربانی عضو یک گروه است؛ یا عضو یک گروه فرض شده، حالت خصمانه‌ی خود را علیه قربانی جرم اعمال می‌نماید.

مطابق بند ۴ ماده‌ی ۲۸، گروه نژادی، گروهی از افراد است که با ارجاع به یک نژاد، رنگ، ملیت یا با ریشه‌های اقلیتی یا ملی شناخته می‌شوند. در بند ۵ همین ماده، گروه مذهبی را گروهی از افراد دانسته که با ارجاع به اعتقاد مذهبی یا فقدان اعتقاد مذهبی شناخته شده‌اند.

از زمان اجرای ماده‌ی ۱۴۶ قانون عدالت کیفری (۲۰۰۳) دادگاه ملزم شد دو عامل مشدده‌ی مرتبط با ناتوانی و انگیزه‌ی جنسی را نیز مورد توجه قرار دهند.